

ایران و کشورهای منطقه باید به دنبال حل ریشه‌ای بحران در خاورمیانه باشند

تهران-ایرنا- بازسازی، بدون حل مسائل سیاسی، تأثیری درازمدت نخواهد داشت. نمی‌توان بدون رفع تنش‌های قومی، اصلاح نهادهای فاسد و ایجاد ثبات سیاسی، انتظار تغییر داشت. قدرت‌های خارجی نیز باید به‌جای رقابت، برای حل بحران همکاری کنند.

به گزارش گروه سیاست خارجی [ایرنا](#)، نشریه آمریکایی «فارن افرز» مطلبی را با عنوان «نقص مهلک خاورمیانه جدید» منتشر کرده است. (لازم به ذکر است که ترجمه این گزارش به معنای تایید محتوای آن نیست و به منظور آشنایی مخاطبان ایرانی با پیشنهادهای مطرح در سطوح مختلف سیاسی و نخبگانی در واشنگتن منتشر می‌شود.)

در این گزارش آمده است: در طول ۱۵ سال گذشته، خاورمیانه گرفتار جنگ، ویرانی و آوارگی شده است. صدها هزار نفر در درگیری‌های غزه، لبنان، لیبی، سودان، سوریه و یمن کشته شده و میلیون‌ها نفر دیگر مجبور به فرار شده‌اند. این خشونت‌ها پیشرفت‌های آموزشی، بهداشتی و اقتصادی را از بین برده و خانه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، جاده‌ها، راه‌آهن‌ها و شبکه‌های برق را نابود کرده است.

جنگ در غزه از هر جای دیگر ویرانگرتر بوده و شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی این منطقه را به سطح سال ۱۹۵۵ بازگردانده است. بانک جهانی و سازمان‌های وابسته به سازمان ملل تخمین زده‌اند که بازسازی خاورمیانه و تأمین کمک‌های بشردوستانه لازم، بین ۳۵۰ تا ۶۵۰ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. برنامه توسعه سازمان ملل برآورد کرده که فقط برای بازسازی غزه، دستکم ۴۰ تا ۵۰ میلیارد دلار نیاز است.

ارائه کمک‌های بشردوستانه و مالی به این جوامع ویران‌شده برای بقای میلیون‌ها نفر، به‌ویژه در کوتاه‌مدت، حیاتی است. با این حال، نگرانی بزرگی وجود دارد: چندین دولت غربی، از جمله واشنگتن، در حال کاهش کمک‌های خارجی و بشردوستانه هستند. اما در نهایت، اصلی‌ترین مانع بازسازی دنیای عرب کمبود منابع مالی نیست، بلکه اختلافات سیاسی و تنش‌های موجود است.

در حالی که اسرائیل و ایالات متحده و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس سالها تلاش کرده‌اند تا منطقه را مطابق با منافع خود تغییر دهند، بدون آنکه به علل ریشه‌ای درگیری‌ها بپردازند. اما بارها شکست خورده‌اند. آنها به جای تلاش برای صلح، بر امنیت متمرکز شده‌اند و در نهایت، نه امنیتی به دست آورده‌اند و نه صلحی برقرار شده است. با این حال، طرح‌های فعلی آنها شباهت زیادی به تلاش‌های پیشین دارد. همه این کشورها همچنان در پی ایجاد یک نظم جدید منطقه‌ای هستند که در آن بازسازی بدون حل مسائل سیاسی انجام شود. آنها پیشنهادهای بزرگی مانند عادی‌سازی روابط اسرائیل و عربستان بدون آنکه واقعیت‌های سیاسی، پویایی‌های محلی یا پیامدهای گسترده‌تر را در نظر بگیرند، در نتیجه، این طرح‌ها به جای پایان دادن به خشونت‌های دوره‌ای، احتمالاً آن را تشدید خواهند کرد.

برای دستیابی به ثبات، خاورمیانه جنگ‌زده باید مسیر خود را تغییر دهد. قدرتهای آن باید از نادیده گرفتن اختلافات محلی و منطقه‌ای دست بردارند و برای حل آنها تلاش کنند. آنها باید به جوامع ازهم‌گسیخته کمک کنند تا دوباره متحد شوند. لازم است نهادهای سیاسی پاسخگو ایجاد کنند و سیستم‌های عدالت انتقالی را ترویج دهند. بازسازی باید بخشی از یک برنامه گسترده‌تر برای صلح باشد. چارچوب سیاسی جدیدی باید شکل بگیرد که به حق تعیین سرنوشت فلسطینیان به‌طور واقعی اذعان کند. همچنین، کشورها باید یاد بگیرند که اختلافات خود را حل کنند یا دست‌کم بهتر مدیریت کنند. در غیر این صورت، مهم نیست که جهان چه مقدار برای بازسازی هزینه کند؛ این منطقه همچنان درگیر بحران باقی خواهد ماند.

مقیاس ویرانی در خاورمیانه امروز، شباهت زیادی به اروپا در سال ۱۹۴۵ دارد. اما برخلاف آن دوران، هیچ کشوری پیش‌قدم برای کمک نیست. هیچ اجماعی برای خروج از بحران وجود ندارد و به‌جای همبستگی، رقابت و اختلاف بر منطقه حاکم است. در غیاب یک برنامه جامع، طرح‌های آمریکا اسرائیل، ترکیه و کشورهای خلیج فارس به جای حل مشکلات، بیشتر به تشدید آنها کمک می‌کنند. در خاورمیانه، راه حل واحدی برای پایان دادن به درگیری‌ها یا بازسازی خرابی‌ها وجود ندارد. جنگ‌های این منطقه شباهت‌های زیادی دارند، اما هر یک پویایی

خاص خود را پیدا کرده‌اند. در لبنان، چالش اصلی تنها بازسازی ویرانی‌های ناشی از درگیری با اسرائیل نیست، بلکه اصلاح یک نظام سیاسی ناکارآمد است، در سوریه، کشور به بازسازی کامل نیاز دارد، اما تمرکز قدرت نباید دوباره مانند دوران اسد باشد. در غزه، چالش‌ها حتی پیچیده‌ترند، زیرا این منطقه نه یک کشور است و نه کنترلی بر مرزهای خود دارد. کشورهای منطقه مانند ایران، ترکیه و کشورهای خلیج فارس باید به حل مسائل ریشه‌ای در منطقه باشند.

بازسازی، بدون حل مسائل سیاسی، تأثیری درازمدت نخواهد داشت. نمی‌توان بدون رفع تنش‌های قومی، اصلاح نهادهای فاسد و ایجاد ثبات سیاسی، انتظار تغییر داشت. قدرت‌های خارجی نیز باید به‌جای رقابت، برای حل بحران همکاری کنند. در غیر این صورت، حتی اگر ساختمان‌ها دوباره ساخته شوند، ممکن است خیلی زود دوباره در اثر درگیری‌های آینده ویران شوند.